

بعضی مستعمل نباشد و مگر آنکه در نجاستی بکار آید
آن پال گشته نیست اما اگر بوی یا رنگ یا طعم وی بسبب
نگردیده باشد پال باشد سوم آنکه اگر پانصد رطل
آب باشد و پلیدی در آن افتد آنچه متغیر نشود نجس باشد
و اگر پانصد رطل باشد و نجاستی در واقع پلیدی نشود
و باید که بدانی که این پانصد رطل کدام رطلست زیرا که
سنگهای یلسان نیست بلکه مراد رطل شرعیست که در زمان
رساله نباه محمدری صلی الله علیه و آله که فقها آنرا تقلید کرده اند
چنانکه رطلی شرعی یکصد و سی درم است و هر درمی پنجاه جو
و دو و خمرجوی آن باشد چنانچه احتیاط کرده اند از
مساحت و هم از سنگ و یکصد و پنجاه من شیراز پانصد رطل
شرعی باشد و صاع نیز همین حساب باشد در فطره دادن
فطر چنانچه در من کم یک چهار یک شیراز باشد از غلات
باشد که بدهد پس آن زمان از عهد فطره رسیده باشد یا بیجا
و در فطره نیز هم کم بود که یک رطل شیراز یک من تمام است

چهارم

چهارم آنی که رنگ و بوی آن و طعم چندی پال که آب از آن نگاه
داشت چون زعفران و اشنان و صابون و آرد و غیر آن
که این همه پاکست اما پال گشته نیست که اگر تغیر آن آنکه بود
پال گشته باشد قسم دوم طهاره از حدث است و اندر آن
پنج چیز بیاید دانستن اول در قضا حاجه دوم در استنجاء کردن
سوم در وضو کردن چهارم در غسل کردن پنجم در تیمم
کندن است تا معلوم باشد **فصل سوم**
بدانکه اول در آداب قضا حاجه است که اگر در صحرا بی باشد
از نظر مردمان دور شود و اگر تواند در پس سجای روی
یا در کوی دود و عود پیش از نشستن برهنه نکند و روی
ریش بقیله نکند چنانکه بسیار مردمان روی در قیله دارند
باز مسکن دارند و روی بافتاب و ماهتاب نشینند اما اگر
در تاریکی باشد بعضی حکما رو داشته اند و اولی آنست که
یا بر زانو یا بر چپ یا بر پای بنشیند و در جای که عود
حاضر باشد در آنجا دراز کشد و در آب استاده ببول نکند
و تیمم در رخت میوه در آنجا